

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ نومبر ۲۰۱۹

رهائی "انس حقانی" چرا خط سرخ حاکمیت است؟؟

جمعه- ۱۰ عقرب ۱۳۹۸ - کابل: امروز برحسب تصادف در محفلی با تعدادی از هموطنانی هم کاسه شدم، که به محض مواجهه و تعارفات معمولی، خیلی زود به بحث های سیاسی آغاز نمودند. تقابل دو طرز فکر که یکی به جانبداری "غنی احمدزی" گلو پاره می کرد و آن دیگری به نفع "عبدالله عبدالمود" و عجله آنها در آغاز بحث و شکست دادن طرف مقابل، بیانگر آن بود که دو طرف بارها با یک دیگر زبان به زبان شده بحث و مناظره داشته اند. در بحث امروز موضوع آمدن "خلیلزاد" جهت رهائی دو امریکائی محبوس نزد طالب و پیش شرط طالب که رهائی "انس حقانی" با هشتاد تن دیگر را شامل می شود، بود.

در عین حالی که بحث هر دو طرف سخت عوام فریبانه و پوپولیستی مطرح می گردید، مدافع خط "عبدالمود" اصرار داشت ثابت کند که در چنین موقعیتی نباید با تعیین پیش شرط ها و "خط قرمز"ها مانع رسیدن به صلح شد و می باید دولت آنقدر سینه فراخ داشته باشد که جهت رسیدن به صلح و نجات جان هزاران انسان بیگناه، حتی یک قاتل سفاکی مانند "انس حقانی" را نیز از بند رها کند.

عکس این موضعگیری، مدافع خط "غنی احمدزی" اصرار داشت بر همه بقبولاند که اولاً ارزش جان دو امریکائی در حدی نیست که برایش ۸۰ نفر آنهم تعدادی از قومندانهای دشمن رها گردد، در ثانی رها کردن "انس حقانی" گذشته از این که در صلاحیت "غنی احمدزی" نیست و نامبرده در جمع زندانیانی است که مستقیماً به وسیله امریکائی ها نظارت می شوند، اصولاً از جهت دیگری به نفع دولت افغانستان نمی باشد.

ما یعنی بقیه افراد حاضر در اتاق که جمعاً بین ۱۸ الی ۲۰ نفر می شدیم، هر چند که در بیشترین وقت بحث آن دو از "عوالم بالا" ساکت بودیم، وقتی صحبت به اینجا رسید از مدافع "غنی احمدزی" صمیمانه پرسیدیم که چرا رها کردن آن فرد به نفع دولت نیست. وی که خوشبختانه متوجه شد منظور ما مناقشه نیست بلکه صرف می خواهیم بر معلومات ما بیفزائیم، گفت:

"شما همه می دانید که "انس حقانی" در اوج قدرت و زورگویی امریکائی ها قبل از رسیدن "اشرف غنی" به قدرت دستگیر شد. شاید این قدر شنیده باشید که نامبرده، دوران تحقیقات سختی را پشت گذاشته است، اما این را یقیناً نمی دانید که سربازان و شکنجه گران امریکائی با وی چه کرده اند و وی را چگونه به یک بمب ساعت شمار تبدیل نموده اند"

در پاسخ تکرار سؤال از جانب ما افزود:

"شکنجه هائی که بر وی روا داشته اند نه تنها پذیرش و تحمل آن برای هیچ انسانی قابل قبول نیست، بلکه در خواب یک پشتون که ملا هم باشد نمی گنجد که آن را چگونه تحمل خواهد کرد. مثلاً "انس حقانی" را روز ها در محضر ده ها زندانی دیگر مطلقاً برهنه به بند کشیده، گاهی با بوتل و دنده برقی با مقعدش بازی می کردند و زمانی هم سگهای تربت شده را به جان وی می انداختند تا سگ بر وی تجاوز جنسی نماید.

تحمیل چنین شکنجه هائی بر "انس حقانی" گذشته از این که در همان زمان وی رابه اختلال روانی مواجه ساخت، نوعی از کینه، نفرت و انتقام را در وجودش پرورش داده که مطمئناً رها شدنش در اوضاع کنونی مانند آن است که کسی بخواهد آتشی را با پاشیدن بنزین خاموش نماید.

امریکائی ها که خود این جنایات را در حق وی انجام داده، نه فرهنگ ما را می شناسند و نه هم می دانند که برای "انس حقانی" دنیا در دو چیز خلاصه شده، "نفرت و انتقام". در حالی که ما و شما می دانیم که بعد از آن شکنجه ها، "انس حقانی" برای آن که در بین مردم حق حیات داشته باشد چه رسد به احترام و حرمت، می باید به خون تازه دشمنانش هر پنج وقت وضو تازه کند."

هموطنان گرامی!

هر چند بعد از این صحبت، باز هم مطالب زیادی گفته شد، مگر صادقانه بنویسم ذهن من چنان در شکنجه گاه "انس حقانی" محصور مانده بود که نه مطالبی را بدرستی می شنیدم و نه هم می توانستم به آنچه شنیده ام فکر نمایم. در تمام وقت وقتی فکرم از اتاق شکنجه بیرون می شد، خود، تو و نسل ما را در پیشگاه محاکمه تاریخ می دیدم که ایستاده ایم و تاریخ از ما می پرسد، شما که سنگ آزادگی و عدالت اجتماعی را بر سینه می کوبیدید، آنزمان کجا بودید که در کشور تان یک انسان- خوب و بد آن باشد سرجایش- در زیر پای سگ انداخته می شد و کمترین صدائی از شما بلند نشد؟؟ چطور می توانید جنایتی را فراموش کنید که مجری جنایت قادر نیست آن را نادیده بگیرد؟؟ در جواب تمام این نوع سؤالات فقط یک پاسخ می شنیدم:

سرکها ما را می طلبند!!